

شغنان

در گرداب روشنفکران سیاسی



نوشته نورعلی دوست
۲۸ عقرب ۱۳۹۰

هر که نا مخت از گذشتی روز گار هیچ ناموزد ز هیچ آموز گار

مقدمه :

شغنان (خورنون) که درین نوشته ناحیه روشان یا (ربنون) را نیز در بر میگیرد یکی از نواحی شاداب و دل انگیز ولایت بدخشان افغانستان است که در امتداد دریای آمو در پهلوی شغنان و روشان بدخشان تاجیکستان در بام جهان (پامیر) موقعیت داشته بالغ بررسی هزار نفر نفوس است که غالباً از طریق زراعت و مالداری ، باغداری ، صنایع دستی محصولات پشم ، پت و پوست حیوانی ، چوب ، محدودی تجارت ، مشاغل دولتی و مؤسسات خصوصی امرارحیات مینماید. مردم این سرزمین به زبان های شغنانی (خورنونه) و روشانی (ربنینه) که دارای مشترکات قریب به اتفاق اند تکلم و پیرو مذهب شیعه اسماعیلی که یکی از شعب دین مبین اسلام است ؛ میباشند . قابل تذکر است که درین منطقه به تعداد کمی از برادران شغنانی معتقد به مذهب شیعه دوازده امامی نیز در قریه کوچکی بنام ساوان در کنار اسماعیلیان با آرامش خاطر زندگی مینماید . تفاوت زبان و عقیده ی مذهبی (اسماعیلی) این مردم که درین منطقه در اقلیت اند در گذشته بعضاً موجب اذیت ، آزار و تحقیر شان از جانب متعصبین میگردد و این سبب میشد تا ایشان در تقیه بسر برند ؛ اما نسبت به شرایط دشوار زندگی همکیشان آنها در دیگر بلاد های اسلامی بی خطرتر بوده است . شغنانی ها فطرتاً نسبت به هم مهربان و با اعتماد اند و همکیشان شانرا نیز برادران روحانی میدانند چنانیکه امامان اسماعیلی ؛ اسماعیلیان (مرد و زن) را فرزندان

روحي ميخوانند . اين اندیشه توأم با فشار بدبينان مذهب اسماعيلي وحدت و برادري و فضاي يکرنگي متحدانه جامعه اسماعيلي را اقتدار و توانائي بخشیده ايشانرا در مسير تاريخ ترغيب نموده تا همچون تن واحد در دفاع از هم قرار داشته باشند . و به اين ضرب المثل جا مانده که شغني به برادر مرد است ؛ مصداق عمل بخشند. بر علاو اين مردم در پرتو اندیشه هاي حکيمانه و خردمندانه پير فرزانه و حجت خراسان ابومعین حميدالدين ناصر بن حارث مشهور به ناصر خسرو بلخي در مسلک اسلامي اسماعيليه استوار و عقیده ي راسخ دارند . قابل تذکر است که آثار و مؤلفه هاي پير ناصر خسرو و ديگر رهبران و فرامین و نظريات امامان اسماعيلي که سر شار از معرفت حکمت و فلسفه دين اسلام ، تعليمات متفرقه ، پند و اندرز اند ؛ دانش طلبی ، حقيقت جوئی ، زهد و تقوا ، مساوات و برادري ، فروتنی ، نیک نامی ، شکیبائی و غيره صفات نیک انسانی تشويق شده بر خلاف پیروی از اعمال نا پسند مانند دنيا پرستی ، دروغ و ريا ، و ستمگاری ، حرص ، تجمل ، تکبر ، نادانی و آدم کشی نهی شده از سلاطين ستمگر و نظام استبدادی به نفرت یاد ميشود.

قابل تذکر است پيش از آنکه مکاتب معارف دولتی درين منطقه تأسيس و فعال شوند مردم اين سرزمين به کمک رهبران مذهبی توأم با روحانيون و شخصيت های دارای سواد دينی ، علمی و فرهنگي به تعليم و تربيه مردم مخصوصاً جوانان بطور عموم در فصل زمستان که نسبت بر فباری موسم فراغت است از طريق برگذاری مجالس امور دينی و تعليمات علمی ؛ مشتمل بر کتاب های مذهبی، عرفانی و فلسفه ، صرف و نحو ، ادبيات ، رياضيات ، تاريخ و ساير بخش های علوم اجتماعي ميپر داختند و خانواده ها در رقابت مشروع بهم سعی مينمودند تا فرزندان شان از علم بهره مند شده همچون شخصيت علمی و بافضيلت به جامعه تقديم شوند . اندیشه برتری علم بر زر و همه ي پيشه ها در میان اين مردم امر کاملاً پذيرفته شده است . مردم شغنان بطور طبيعي به رهبران دينی ، علما و روحانيون احترام فوق العاده قايل اند . علاوه به پيشه دهقانی نیز همچون کسب مقدس به ميراث مانده از بابای دهقان (آدم صفي الله) که در عقیده اسماعيليان نخستين پيغمبر اولوالعزم درين عالم است و به پيشه ي آهنگري همچون کسب به ميراث مانده از حضرت داؤد پيغمبر عليه السلام و به مالداري همچون کسبه بميراث مانده از بی بی فاطمه زهرا عليهم السلام دختر حضرت محمد مصطفي (ص) احترام زياد قايل اند . بايد گفت که برپايه همه اين پيش زمينه های فرهنگي ، تعليماتی و تربیوی بود که مردم مشتاقانه از ايجاد معارف رسمي در شغنان استقبال نموده و آنرا با دلگرمی و آغوش باز پذيرفتند . قابل بيان است که رشد و

انکشاف معارف شغنان در دوران حکومت شاهی ظاهرشاه و دوران رژیم جمهوریت داؤد خان نا کافی بود ولی در دوران حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان معارف این منطقه تا حد لازم رشد و انکشاف نمود و بعداً در دوران دولت اسلامی با ارتقای محدودی از مکاتب و تأسیس یک باب دارالمعلمین که فعلاً در قیمومیت مؤسسات آغا خان قرار دارد و بطور منظم فعال و سالانه به ده ها تن از معلمین و معلمه های مسلکی به جامعه ی افغانستان تقدیم میدارد. ولسوالی شغنان هم اکنون توأم با این مؤسسه علمی، دارای (۱۲) باب لیسه (۱۰) باب متوسطه با مشمولین اضافه از (۱۴) هزار متعلم شامل دختر و پسر میباشد. و امروز در سطح افغانستان یگانه منطقه ایست که دران بیسواد (نا خوانده در مکتب رسمی) اعم از زن و مرد وجود ندارد. این دستاورد افتخار آفرین محصول پیش زمینه های تعلیمات مذهبی، ارشادات رهبران خرد مند و تشویق علما و روحانیون و شخصیت های علمی و فرهنگی و احساس نیک معارف پروری مردم این مرز و بوم است که چنین مؤفقیت نصیب نسل موجود درین نقطه دورافتاده و کوهستانی شده است. باید گفت که در دامن معارف پروری و فضای علم و حکمت دوستی مردم این مرز و بوم شخصیت های علمی و فرهنگی با فضل و دانش و همچنان هنرمندان هنرمعماری، نجاری، آهنگری، زرگری، خیاطی، بافنده گی موسیقی و آوازخوانی، ورزشی: شامل پهلوانی و بزکشی، و بخش های مختلف عرصه های فرهنگی زیادی عرض اندام نموده اند که تعداد شان ماشاءالله زیاد است و گنجانیدن اسمای شریف همه این بزرگواران خردمند و هنرمند و فرهنگ آفرین که به جاست درین معرفی نامه آورده شوند صحیفه را نهایت به درازا میکشد با اظهار پوزش از همه ی همدیاران عزیز؛ ما روشنفکران، نویسندگان و محققین مسئولیت داریم تا در معرفی کامل شخصیت ها ی علمی، اجتماعی و فرهنگی این سرزمین که گنجینه های معنوی ما اند قدم همت بگماریم.

مردم شغنان در گذشته های نه چندان دور تمام احتیاجات زندگی مانند خانه سازی به سبک معماری مخصوص و منحصر به محیط، نجاری با سبک و شیوه ی خاص برای همه ضرورات اعمار و اسباب منزل و سامان و اسباب دهقانی، زرگری و مخصوصاً آهن گری برای تمام لوازم و اسباب منزل و دهقانی و همچنان بافندگی و تهیه البسه از محصولات پشمی، پت بز، پوست و پخته بطور صنایع دستی مانند: روزه، تبت، چکمن، نمد، پلاس، جوراب، بشُق، دستکش، کرته کش، واسکت، گردن بند، انواع کلاه، انواع بند ها و پُلک های گلدوزی، بالا پوش، کرتی و پطلون، کرته تنبان مردانه و زنانه، گوش چوبی، نعلین، چموس، سناچ،

کلوار، مشک، انواع ظروفات گلی و چوبی برای ضروریات مختلف زندگی و زیورات و وسایل تزئینات زنانه خود تولید مینمودند که نقش کار دست و زحمت هنر زنان درین راستا برجسته تر بوده است. و مردم تقریباً ما احتیاجات زندگی خود را در محیط خود و بدستان خود بطور خود کفا تهیه مینمودند که درین بخش استاد های آهن کار، نجار، معمار، بافنده گان و خیاطان ماهری در هر مرحله ی ازمان در جامعه موجود بودند که هرکدام شاگردان زیادی را نیز نسل به نسل به جامعه تقدیم نمودند. علاوه بران هنرمندی و هنر دوستی شامل موسیقی اعم از موسیقی عرفانی، قصیده خوانی و موسیقی شاد در مراسم خوشی، رقص عرفانی و انواع رقص های محلی با آهنگ های دلپذیرمطربان مخصوص به خود، خوشی آفرین طبیعت زیبای مردم مهربان این سرزمین اند. در شغنان از قدیم الایام در بخش های مختلف عرصه های زندگی آهنگ های مخصوص به خودش بوجود آورده شده و انکشاف نموده اند که با مطربان مخصوص همان عرصه اجرا میگردد. گفته میتوانیم که موسیقی تمام عرصه های زندگی این مردم را احتوا کرده است، و این نشاندهنده سطح معنویت بلند فرهنگی زندگی این مردم است که تمام جهات زندگی خود را با موسیقی که غذای روح و تسکین دهنده و آرامی بخش روح و روان انسان است، آرایش داده اند. همچنان بازی ها و ورزشهای مختلف نظر به سن و سال و طبیعت مرد و زن این مردم از قبیل پهلوانی، بزکشی، گوی بازی (چوگان بازی)، دست گرثینت (زور دست)، شله بازی، سقه بازی، لهش بازی، توپ کلتک، پرخ بازی، دوبند بازی، تلک بازی، مشک بازی (بجل بازی)، سنجک بهبنت، جای جایه نک، خیم ته پونک، کلک، تر بُش ته له لهی، شرم نبسپید، پراژهدک، کچک کچک دنبه لی، تاقه پشماقه، پوت بهبنت، پش پو، پیش ملهوک، ربایه برک، نذیر گویه، ولچهک بهبنت، بِنناوری، اسپ سواری، مرکب سواری، بچهک سواری، شطرنج بازی، تخم جنگی، ژیر پتهو داو، (سنگ اندازی) ژیر په تیر سینتاو، شیر مو بادر روپخ تو بادر وغیره بازی ها ورزشی و سر گرمی هائی بودند که در کنار کار و زحمت شبانه روزی جوانان و نوجوانان اعم از دختر و پسر را سرگرم و مصروف نگه میداشتند، در شغنان بهترین و زور آور ترین چاپندازان وکشتی گیران بوده و هستند که پیوسته در روز های عید و جشن های ملی و محافل خوشی با اجرای مسابقه های دوستانه هنر نمایی مینمایند. دیده میشود که اجداد و نیاگان ما تمام سعی وتلاش شانرا برای احیای یک محیط فرهنگی و هنری سراسر شاد و خرم توأم با فضای باز اجتماعی که کوچکترین افکارمنهوس تعصب و تنگنظری در آن موجود نیست بما بمیراث گذاشته اند. نسل موجود این سرزمین با وجود دشواری های پیش روی ولی به تناسب اوضاع و احوال گذشته در شرایط بمراتب پیشرفته و بهتر زندگی و در

اوضاع و احوال بمراتب باز سیاسی بدور از خوف و ارباب قرار دارند لذا این نسل مسئولیت دارد تا این دستاورد های قابل قدر فرهنگی را حفظ نموده در رشد و انکشاف هر چه بیشتر و بهتر آن مخصوصاً حکمت، علم و هنر و ادب و ارتقای سطح آموزش مسلکی توأم با تشویق جوانان به فرا گیری علوم معاصر بویژه اسباب و وسایل مختلف تکنالوژی ، سرگرمی ها و انواع بازی های ورزشی جهانی که جای شان در محیط آموزشی و سرگرمی های زندگی جوانان ما خالی است اقدام و رسالت های خود را در برابر نسل های آینده همچون نیاگان مان تا اندازه که ممکن است رفع نمایند. و این مسئولیت بزرگیست که به دوش فرد فرد روشنفکران و اهل علم و حکمت این سر زمین قرار دارد.

گرداب سیاسی روشنفکری در شغنان

با یک نگرش کوتاه در می یابیم بعد از اینکه فعالیت های سیاسی و حزبی در محیط شغنان رواج یافت، فعالین سیاسی به نسبت زیر تأثیر قرار گرفتن افکار پر از احساسات انقلابی به ارزش های فرهنگی میراث پراهمیت نیاگان ما که سرشار از همدگر فهمی، تحمل، اتحاد و هماهنگی بود، اهمیت کمتر قایل شده به تقلید نا سنجیده از روش های مبارزه سیاسی بیگانگان، روحیه عدم اعتماد و بی باوری به استعداد ، توانائی و نیروی خودی بتدریج وارد فضای اصیل فرهنگ همدیگر فهمی، اتحاد و یکدلی مردم و بخصوص جوانان گردیده دستاورد های عظیم و با اهمیت فرهنگی محیط اجتماعی بی آرایش و ارزشمند گذشته گان مانرا را زیر سایه نفاق و عداوت برد. قابل توضیح میدانیم که شغنان از لحاظ ساختار اقتصادی، جامعه بسیط وبدون طبقات است که مردم این سرزمین با مظالم و استبداد حکام دولتی، بی عدالتی و عقب ماندگی اجتماعی و اقتصادی و تبعیضات مذهبی و لسانی متعصبین مشکل اساسی داشتند و دارند. احزاب و سازمانهای سیاسی نفوذ یافته درین محل به جای همسو نمودن مردم و همه روشنفکران مترقی در جهت ایجاد یک ساختار متحد سیاسی و متشکل از همه نیرو های مترقی مردمی جهت مبارزه با تضاد های اساسی جامعه؛ بیشتر روی سلیقه های شخصی رهبران و کادر های حزبی داخل منطقه و بر حق جلوه دادن شخصیت سیاسی رهبران و کادر رهبری مرکزی سازمانها و احزاب شان تمرکز نموده بطور سلیقوی باهم در گیراختلافات شدند. طوریکه ملاحظه میشود عامل این در گیری ها در حقیقت گواه بر عدم پختگی و تجارب سیاسی رهبران احزاب و کادر های رهبری کننده و سر انجام صفوف این احزاب در جامعه بود که به شرایط عینی و ذهنی جامعه افغانستان و آرایش نیروهای دوست و دشمن اهمیت نمیدادند. چونکه

احزاب چپ سیاسی جامعه افغانستانی و تازه تأسیس یافته به حدی نبودند که مستقلانه اوضاع عینی و ذهنی جامعه را بررسی و تحلیل علمی جامعه شناسانه نموده افراد تازه وارد به صفوف سازمانهای خود را با دید و ملاحظیات روشن انقلابی جذب و تربیه نموده و جهت مبارزه سیاسی به جامعه تقدیم نمایند ، مزید بران تعدادی از سازمانهای سیاسی فاقد اساسنامه و برنامه سیاسی روشن بوده اعضای شان که غالباً بر روی پیوستگی های خانوادگی، سلیقوی و قومی به آنها جذب شده بودند بدون توجه به اهداف و مسئولیتهای اساسی وظایف دموکراتیک انقلابی و تشخیص نیروهای دوست از دشمن بطور احساساتی و ماجراجویانه مبارزه نموده و جز حرف و منطق خود به حرف و منطق دیگران گوش شنوایی نداشتند. و بدینترتیب رقابت های قاتلانه رقیب های سیاسی بطور نا مرعی همچون مرض نهایت خطرناک جذب روح و روان روشنفکران سیاسی در محیط تنگ و کوچک شغنان گردید . باید گفت در فضای حاکمیت سیاسی و حتا فرهنگی حکومتمداران و روشنفکران افغانستان تحمل رقیب چه در درون خانواده، دولت ،حزب و چه در جامعه ، موجود نبوده بسا پدرکشی، برادرکشی و اعضای خانواده کُشی که بر پایه آن بسا کشت و کشتار و لشکر کشی ها ئیکه باعث بربادی و ویرانی ها گردید. همچنان انشعاب های زیاد درون حزبی و ایجاد فرکسیون ها ناشی از عدم تحمل پذیری رقبا در داخل تشکیلات احزاب و سازمان ها بوجودآمده باعث تضعیف نیرو های مترقی گردیده اشخاص خود خواه و جا طلب حتا رقیب های هم فکر توانمند و هم سازمان خود را خطر ناکتر از دشمنان آیدیالوژی شان دانسته تا سطح نابودی به آنها مرموزانه مبارزه مینمودند. که تاریخ سیاسی افغانستان شاهد توطئه های بی شمار رقبا بوده که در آنها شخصیت های ارزنده زیادی توأم با هواداران شان در پی کودتا های درون حزبی و حکومتی نابود و یا از صف مبارزه خارج گردیده اند.

مشکل مهم دیگری که فضای سیاسی شغنان را مکدر نموده بود طرز دید و نحوه برخورد روشنفکران سیاسی در پیوند با سازمانها و احزاب رقیب در محیط بود . این سازمان ها و احزاب میبایست در برابر رقیب های سازمانی با تفکیک متحد سیاسی و دشمن سیاسی برخورد مسئولانه و منطقی میداشتند . خوشبختانه محیط شغنان از لحاظ وضع اجتماعی و مناسبات اقتصادی در وضعی نیست که دران مبارزه طبقاتی و ملی جای داشته باشد . وزمینه برای نفوذ نیروهای راست افراطی و غیر دموکراتیک نیز درین منطقه مهیا نبوده و نمیباشد . باید گفت که نیروهای راست افراطی و نیرو های چپ به هیچ وجه در شرایط آنزمان در هیچ جایی حاضر به اتحاد و ائتلاف با هم نبودند چونکه یگانه هدف نیروهای راست افراطی آنزمان که به اخوان المسلمین معروف بودند ؛ این گروه در حقیقت شبیهه

حزب اخوان المسلمین مصر به داعیه سید قطب در افغانستان فعالیت خود را آغاز نموده بود؛ جلوگیری از نفوذ نیروهای چپ دموکراتیک و مبارزه بر علیه آنها بود. باید گفت که اهداف غائی احزاب و سازمانهای چپ سیاسی ایجاد دولت دموکراتیک مردمی و جامعه‌ی بر پایه عدالت اجتماعی بود که میتواند وجه اشتراک مهم برای اتحاد و ائتلاف مبارزات این احزاب و سازمانها در جامعه باشد چنانچه در موارد زیاد این امر باعث ایجاد ائتلافات و اتحاد این سازمانها و احزاب سیاسی در بسا نقاط افغانستان مخصوصاً در براه اندازی میتنگ ها و خواسته های صنفی گردید. ولی متأسفانه روشنفکران سیاسی شغنان به همچو روش های منطقی اهمیتی نمیدادند. این احزاب و سازمانها مبارزه خود را نه بر مقیاس افغانستان و جهان بلکه منحصر به شغنان نمودند، در دایره تعصب سازمانی و دید ضعیف محیط روشنفکری افتاده به دور از نزاکت های سیاسی در محافل خوشی و سوگواری ها و همه تجمعات فرهنگی و اجتماعی مباحث سیاسی را خلاف روحیه اشتراک کننده گان مجالس برا انداخته با جنگ و رسوائی به پایان میرسانیدند، این مبارزه توسط معلمین وابسته به احزاب و سازمان ها بداخل مکاتب نیز کشیده شده معلمین و شاگردان در گیر در مسائل سیاسی غالباً باعث برهم زدن نظم و دسپلین مکاتب میگرددند. علاوهً معلمین از موقعیت خود سوء استفاده نموده برای سازمان و یا حزب خود جلب و جذب نموده متعلمین مخالف سیاست خود را حتی الامکان ناکام مینمودند. و بدین ترتیب هر قدر که ساحه محیط رقابت های سیاسی تنگتر میگرددید مخاصمات قویتر و دشمنی ها افزونتر میگردد. برای روشنفکران آنزمان فتح شغنان فتح افغانستان به حساب می آمد و هر کدام از احزاب و سازمانها تلاش مینمودند تا فاتح میدان باشند. گذشته از آن روحیه قضاوت و تحمل پذیری، رقابت سالم در انجام خدمت به مردم و صداقت در ایجاد فضای حسن تفاهم در میان اعضای سازمان ها و احزاب به حدی تقلیل یافته بود که هیچ یک از مهمترین و با اهمیت ترین کار و عمل خیر و با اهمیت حزب و سازمان سیاسی رقیب و لو به خیر سازمان ویا حزب مخالف نیز می انجامید را تأیید نمی نمودند. برخلاف این سازمانهای سیاسی پیوسته در پی جستجوی نکات ضعف رقیبان بودند. تا از آن به نفع تبلیغات منفی خود بهره گیری نمایند. و بدینصورت لبه تیز مبارزه نیروهای چپ دموکراتیک پیوسته از مسیر اساسی و اصولی خود که عبارت از بسیج نیروهای مترقی و متحدین هم فکر سیاسی در برابر دشمنان مشترک شان بود؛ خارج شده آب به آسیاب دشمن می انداختند. با گرفتن قدرت سیاسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، که در مجموع دارای آرمانهای انسانی، ترقیخواه و دموکراتیک بود، اعضای این حزب در شغنان غرق مستی این پیروزی شده با هیاهوی و خود نمائی های متکبرانه،

به ظاهر انقلابی و بدور از تجربه لازم سیاسی و اجتماعی ، اعتماد و اتحاد میان نیرو های ملی و مترقی را با آنکه متزلزل بود با احساس مسئولیت احیا و تحکیم نموده نتوانستند . و این مصیبتی است که دستاورد زیانبار آن تا کنون فضای آرامش و آرزو های نیک مردم را نسبت به آینده بهتر زندگی شان زیر سایه شوم خود قرار داده است . بد بختانه و متأسفانه هستند روشنفکران تاریک دل به اصطلاح سیاسی که ازین همه حوادث درد ناک گذشته عبرت نگرفته باز هم عقده مندانه این طرز دید مصیبت بار را تبلیغ و سازماندهی نموده سعی مینمایند صفوف احزاب و سازمان های گذشته را در حالیکه این احزاب و سازمانها وقت هاست که منحل شده اند و هیچگونه وجود فزیزی ندارند ، به جان هم انداخته فضای اجتماعی شغنان را بد تر از گذشته ساخته سازمانی و حزبی بودن را بر صفوف شان تحمیل نموده همیشه اپوزیسیون باقی نگهدارند . و شرایطی را زمینه سازی نمایند تا به اصطلاح ضرب المثل پشتو چه په تنگ شی په جنگ شی در محیط جاودانه بر قرار باشد . باید فراموش نه نمود که حوادث و رویداد های براه انداخته ارتجاع بین المللی در توأمیت ارتجاع داخلی زیر شعار های عوامفربانه دفاع از اسلام و عنعنات و وطن نشان داد که این نیرو های اهریمنی چه دستاوردهایی بجز کشت و کشتار و ویرانی و غارت همه ی هست و بود گرد آورده ی تاریخی ملت افغانستان در تبنانی با دشمنان تاریخی کشور ما به ارمغان آورده اند . و امروز گذشته از بربادی هستی مادی و معنوی ملی و در بدری ملیون ها هموطن ما ؛ ثروت چپاول شده مردم توسط قومندانان به اصطلاح جهادی گوا بر حقانیت مبارزات بر حق نیرو های چپ دموکراتیک در دفاع از مردم و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان است . ما از همه ی قهرمانی ها و فداکاری های رزمندگان سازمان انقلابی زحمت کشان افغانستان و سایر اعضای سازمان ها و احزاب مترقی و مردم شریف افغانستان که در دفاع از آزادی و عدالت اجتماعی در برابر نیرو های مرتجع داخلی و خارجی قهرمانانه انجام داده اند با افتخار یاد آوری مینماییم . اما متأسفانه دیده میشود تا کنون هیچگاهی از فداکاری و جانبازی های تعداد کثیری از اعضای سازمان زحمت کشان انقلابی افغانستان و یا دیگر سازمانها و احزاب که در دفاع از حاکمیت دموکراتیک و مردمی در برابر ارتجاع داخلی و خارجی قهرمانانه جانهای عزیز شان را از دست دادند و مخصوصاً آنهاییکه بدست دشمنان عقب گرای مردم افغانستان در اثر توطئه های خائنانه در ولایت تخار و بدخشان و سایر نقاط افغانستان اسیر و دسته جمعی تیر باران و به شهادت رسیدند حرفی نوشته و شنیده نمیشود . بر خلاف تعداد محدودی پیوسته تلاش مینمایند تا حزب دموکراتیک خلق افغانستان را که هم اکنون وجود ندارد یگانه دشمن این سازمان بطور جاودانه نگهدارند . در تمام نوشته های انتقاد

آمیز سیاسی تا کنون کوچکترین حرفی به آدرس طالبان ، ارتجاع داخلی و خارجی ، احزاب مرتجع بنیاد گرای اسلامی که قاتل هزار ها جوان مبارز وطنپرست سازمان زحمت کشان افغانستان ، سازمانها و احزاب مترقی و مردم افغانستان و دهها جنایتکار دیگری که افغانستان را به تباهی کشانیدند نوشته نمیشود . مگر بنظر اینگونه افراد این سازمان به جز مبارزه با حزب منحل شده ی (حزب دموکراتیک خلق افغانستان) اهداف و مسئولیت های دیگری در افغانستان و جهان ندارد ؟ مگر دشمن اینگونه افراد این سازمان به جز شغنائی های اعضای سابق حزب دموکراتیک خلق افغانستان کسی دیگری نمیباشد ؟ پر واضح است که نه . ازین جریان به روشنی فهمیده میشود که افرادی اجیر شده اند تا در زیر پوشش این سازمان چپ سیاسی به منافع دشمنان مردم افغانستان تا زنده اند در برابر نیروهای چپ دموکراتیک در افغانستان مخصوصاً در شغنان مبارزه نموده مانع اتحاد و همبستگی این نیروها شوند . اما به اصطلاح برادران ایرانی اینها کور خوانده اند حال دیگر همه ی آن کسانی که برای تعالی مردم و برای ایجاد سیستم اجتماعی عادلانه مبارزه مینمایند از اختلافات و نتایج زیانبار آن بطور کافی عبرت گرفته اند دیگر برای اختلافات نیروهای چپ حقیقتاً انقلابی و دموکراتیک به دشمنی و کینه توزی جایی وجود ندارد . همه ی اعضای صدیق و متعهد سابق حزب دموکراتیک افغانستان طرفدار محاکمه ی همه ی اشخاص و افراد خائن به منافع مردم زحمتکش افغانستان که در زیر پوشش حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان خلاف خط مشی حزب بر مردم هرگونه ظلم و جفا نموده باعث بد نامی آن شده اند ؛ میباشند . لیکن تهمت های ناحق و افتراآت غیر موجه و بدون اسناد به آدرس هر حزب و سازمان و شخص غیر منصفانه و در حقیقت کار دشمنان مردم زحمتکش افغانستان بوده که در شرایط حساس موجود سعی دارند از طریق مزدوران کژ اندیش شان فضای اتحاد سیاسی نیرو های مترقی را مکرر نمایند . بگذار این خائنین به اندیشه والای انسانی که شامل مریضان سیاسی کهنه فکر ، عقده مند ، خود خواه و جاه طلب و نوکران ارتجاع که سعی مذبوحانه دارند تا باز هم اختلافات را دامن زده از آن بهره گیری خائنه و مزدورانه نمایند ؛ چهره رسوای خود را بمردم زحمتکش افغانستان ، به دنیای رزمندگان تأمین عدالت اجتماعی و شهدای این راه برگشت ناپذیر و مقدس افشا سازند . هر گاه محاسبه شود در افغانستان تپه ی نیست که شهید خلقی شغنی برای دفاع از آرمانها اصیل و دموکراتیک مردم افغانستان در آن دفن نشده باشد . پس این خلقی ها با که محاسبه کنند ؟ . آیا این همه درد و الم های جانکاه کافی نیست ؟ جای دارد اگر مجرم اصلی و کسی که خائنه و غیر مؤجه باعث نابودی هر انسانی شده باشد و یا هر گونه جرمی و جنایتی را متقبل شده باشد محاکمه شود . اما باید متوجه بود

که جرم یک عمل شخصی است و نمیتوان آنرا به شخص دیگر حمل نمود . امروز در شغنان از اعضای سابق حزب دموکراتیک افغانستان و کسانی که زندگی دارند در هیچگونه تصمیم گیری های حزبی و حکومتی آنزمان نقشی نداشتند . مبارزه با همچو اشخاص دموکرات و تحول طلب در حقیقت آب به آسیاب دشمن انداختن است . این اهداف دشمنان کور دل و سیا فکر و عقب گرای مردم افغانستان است که با برنامه ریزی های زیرکانه شان میخواهند تخم نفاق را در میان نیرو های مترقی کاشته با استفاده از نیرنگ کاری های شوم شان باز هم بدست برادر ، برادر دیگر را نابود کنند . در حالیکه ما برای تحقق آرمانهای والای دموکراتیک و ملی مردم زحمت کش افغانستان نیازمند اتحاد همه ی نیروهای ملی و مترقی شامل : کارگران ، دهقانان ، افسران ، روشنفکران ، سربازان ، اهل کسبه ، زنان ، ملاها ، روحانیون و متنفذین مترقی ، تجار ملی و فرد فرد تحول طلب مردم در مقیاس افغانستان میباشیم . دهقان و معلم شغنانی و یا روشنفکر دیگر دارای اندیشه ترقی خواهانه و یا هر منطقه ی دیگر افغانستان نیروی مطمئن صاف مبارزه بوده نادیده گرفتن شان ضعف سازماندهی و خیانت به تأمین آرمان های مردم افغانستان و خدمت مستقیم و آگانه به دشمنان عدالت اجتماعی و دموکراسی میباشد . برای مردم ما از واقعات المناک و جریان انتقام جوئی حوادث اخیر در شغنان که مطابق برنامه دشمنان تاریک اندیش و معلوم الحال مردم شغنان به چندین بار تکرار گردید چه حاصلی نصیب مردم شغنان گردید . درین جریان بهترین و آگاهترین ، با شهامت ترین و دلسوز ترین فرزندان شغنانی در معامله تحریک آمیز خائنه به قتل رسیدند ، هرگاه منظور ازین انتقام جوییها؛ به کیفر رسانیدن مجرمین اصلی جنایات حوادث قبلاً به اتفاق افتیده میبود ؛ متوجه میشویم که شخصیت هائی درین واقعه المناک به شهادت رسیدند که در پیروزی انقلاب ثور و ادامه آن طفل شاگردی بیش نبودند و در وقت شهادت التیام دهنده درد و رنج مردم و در نجات جان ده ها انسان بشمول قربانیان هولناک اخیر در شغنان حاضر به قربانی شدند که معلوم همه گان است ؛ بدبختانه انتقام گرفته شد . و این اشخاص در هیچ مواردی از تصمیم گیریها آنهم در سطوح بالای حکومت وقت هیچگونه نقشی نداشتند . این عمل در حقیقت جنایت نا بخشودنی دیگری روی داد که ضرر و نتایج زیانبار و رنج آور آنرا مردم بیچاره ما بدوش کشیده باز هم متحمل قربانی جبران ناپذیر شدند .

باید گفت که ادامه این دشمنی و انتقام جوئی های بی معنا و بدور از فرهنگ انسانی را نمیتوان مبارزه نامید . از جهتی شکست حزب دموکراتیک خلق افغانستان و فروپاشی اتحاد شوروی بمعنی پایان مسئولیت های اجتماعی و مبارزه نیرو های مترقی در راه رفع عقب ماندگی ، تأمین عدالت اجتماعی و دموکراسی

به معنای واقعی آن نیست . رسالت های اجتماعی که به انجام شان متعهد بودیم سنگینتر از گذشته و در پیشروی ما قرار دارند . کشور ما روز تاروز وارد بحران های گوناگون شده و مردم به مصیبت های تازه به تازه گرفتار میشوند ؛ نیرو های ارتجاعی ، بنیاد گرایان افراطی با اندیشه های محجر قرون وسطائی بنام طالبان و حزب اسلامی گلبدین ، حاکمان و اشرافیت مفسد کشور های عربی در تبنانی با سازمان جاسوسی آی اس آی پاکستان از ضعف و ناتوانی دولت تنظیمی و جهادی غرق در فساد مالی و اداری و آغشته به قاچاق مواد مخدره سوء استفاده نموده روز تا روز به اقتدار خود افزوده در انتظار پیروزی بعد از خروج نیروهای خارجی در افغانستان میباشند . از جهتی قومندانان سابق تنظیمهای جهادی در بسیاری از نقاط کشور هنوز مسلح بوده نوعی سیستم مافیائی را در کشور بوجود آورده و با امکانات مالی که در دوران به اصطلاح جهاد چور و چپاول نموده اند تهدیدی برای امنیت مردم اند که متأسفانه نیروها مسلح موجود دولتی توان لازم مقابله با این حوادث را ندارند که بدین ترتیب ازین اوضاع پیش آمده و بحرانی نمیتوان امید صلح و امنیت پایدار و پایان جنگ و نا آرامی به رهبری چنین حکومتی که سراسر دستگاه آن غرق در فساد و بی مسئولیتی است ؛ را داشت . در همچو شرایطی همه مردم رنجیده ، احزاب و سازمانهای مترقی از خطا ها و اشتباهات ، کاستی ها و کمبودی های رنج آور و جبران ناپذیر گذشته درس عبرت گرفته برای تأمین اهداف و وظایف انسانی که به آن متعهدیم و همچنان برای تأمین امنیت جان و مال و عزت و ناموس مردم خود با احساس مسئولیت وبا ایجاد یک حرکت عمومی ، و مترقی دست بکار شویم . چون امکان تکرار حوادث شوم را نمیتوان دور از احتمال دانست . مردم شرافتمند و سازمانهای سیاسی حقیقتاً مردمی وظیفه ایمانی و وجدانی دارند تا در جهت ایجاد فضای سالم برادری و اتحاد و اتفاق مردم سعی و تلاش مثمر و خستگی ناپذیر نموده به دشمن تراشی ها خاتمه داده اشخاص عقده مند، کژاندیش، متعصب ، دنباله رو، بیگانه پرست و خائن به وحدت و اتحاد مردم که نتایج زیان بخش آنرا بار ها با گوشت و پوست خود لمس نموده ایم افشا و تجرید نموده فضای حسن و تفاهم یکرنگی و یکدلی را مانند گذشته گان خود در محیط مردمی مان زنده سازیم . اینست بهترین ، مهمترین و اساسی ترین رسالت و مسئولیت نسل موجود جامعه ما . که مهمتر و شرافتمندانه تر و اولاً تر از هر وظیفه و اهداف هر نوع سازمان یا حزب و نهاد دیگری که هرگاه ما به آن تعهد نموده باشیم ؛ میباشد . باید گفت که هرگاه از عهده انجام این مسئولیت های عظیم مردمی برآمده توانیم به یقین در اجرای همه امور زندگی اجتماعی و سیاسی مان پیروز و سرفراز خواهیم بود .

مردم مهربان شغنان دوستان و عزیزان !

با تقدیم مژده ی از جنبش و کاروان برا انداخته شده تعداد زیادی از مردم شریف شغنان شامل کته گوری های مختلف اجتماعی و سیاسی و فرهنگی برای احیای وحدت و هبستگی مردم که عامل اساسی بقا و سعادت مردم این سرزمین است توأم با جریان گذارش از تجلیل محفلی که بدین مناسبت در جماعت خانه قریه خنورگ براه انداخته شده بود ، شما را در جریان میگذارم . آرزومندم که همدیاران مهربان ما : حسن نظر و احساس مردمی فرد فرد این عزیزان را درین راستا به قضاوت گرفته برای همه مردم شغنان در فضای اتحاد و هماهنگی که ضامن پیروزی شان است آرزوی خوشبختی نمایند . قابل تذکر میدانم این مجلس که به اساس ضرورت زمان به پیشنهاد و ابتکار تعداد زیادی از منورین شغنان و تقاضای صمیمانه و خالصانه خودم (نورعلی دوست) به سازماندهی محترم ندری محمد نیرومند روشنفکر توانا و دلسوز به مردم که از تمام شخصیت های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی فعال در شغنان دعوت به عمل آمده بود دایر شده بود که خوشبختانه به استثنای مسئولین حزب تازه وارد درین منطقه بنام (دسولی ملی غورخنگ) در حالیکه تعدادی از اعضای صفوف سازمانی شان درین مجلس اشتراک نموده بودند و با اظهار نظریات نیک از آن پشتیبانی نمودند، به دلیل عدم اعتماد به تعهدات سازمانهای سیاسی رقیب؛ که بعد از برگذاری جلسه ابلاغ داشتند؛ اشتراک ننمودند. به تحلیل همه اشتراک کننده گان فضای اجتماعی و سیاسی شغنان بعد از حوادث و واقعات درد آور گذشته و ناکامی ها و محرومیت های این مردم در دو دور انتخابات کاندید های نماینده گان مردم به مجالس و بسا مسائل مهم اجتماعی و سیاسی دیگر میسرسانند که محیط اجتماعی شغنان بیشتر از هر وقت دیگر به هر نوع تفاهم و گفتگو آماده و نیازمند آن است . گذشته از آن هر نوع گفتگوی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ولو نتیجه بخش نباشند به سوی تفاهم یکقدمه قابل محاسبه میباشد و علاوه بر این هر سازمانی دسترسی به تریبونی که شنونده گان آن پیشقراولان فعال جامعه باشند چانس طلایی ایست که در واقعیت رد آن بزرگترین جفا در حق آن سازمان سیاسیست که این دوستان ما آنرا بخود روا دیده بر علاوه مایه نا امیدی اشتراک کننده گان این نشست مردمی شدند .

قابل تذکر است که با انحلال حزب دموکراتیک خلق افغانستان اعضای شرافتمند آن در شغنان مانند دیگر هموطنان عزیز بطور عادی بدون هیچگونه فعالیت سیاسی و سازمانی زندگی مینمایند و ازین جنبش و هر حرکت مترقی و مثمر به منافع مردم زحمتکش شغنان و در مجموع افغانستان انجام پذیرد صادقانه پشتیبانی مینمایند . ولی تعداد محدود و معلومی از اعضای سابق این حزب در شغنان و یا

هر نقطه ی از افغانستان که به حزب جدیدالتأسیس (دسولی ملی غورخنگ) شامل و عضویت آنرا پذیرفته اند ، دارای خط مشی جداگانه ، روابط سیاسی جداگانه و پالیسی های سیاسی مخصوص بخود اند که با گذشته حزب دموکراتیک افغانستان و اعضای سابق آن درین ولسوالی و دیگر نقاط افغانستان هیچگونه ارتباط ندارند.

پیروز باد اتحاد و همبستگی مردم زحمتکش افغانستان

پیشنهاد برادرانه !

از همه ی مردم شرافتمند شغنان، روشنفکران متعهد به آرمانهای اصیل این مردم و کافه ملت افغانستان صمیمانه تقاضا مینمایم تا درین کمپاین مهم و پر از اهمیت به حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با پیشقروالان این جنبش که در راه اتحاد و همبستگی مردم خود کمر همت بسته اند سهم عملی، صادقانه و فعال گرفته از هیچگونه همکاری دریغ نوزند .

در ذیل این نوشته گذارش ویدئوی مختصری را از جریان محفل مشاهده خواهید فرمود که متأسفانه نسبت نارسائی های تخنیکی از کیفیت لازم بر خوردار نبوده بعضی از ابراز نظریات برادران مخصوصاً از خودم بطور کامل ثبت شده نتوانسته است و همچنان در بعضی از قسمت های صدا بطور ضعیف شنیده میشود ، دوستان هرگاه در استفاده کمپیوتر از گوشکی استفاده نمایند مناسب تر خواهد بود، بهر حال از مجموع این نظریات احساس پاک مردم دوستی همه ی این عزیزان بطور روشن آشکار میگردد . پیروزی شانرا درین امر مقدس انسانی از ایزد متعال تمنا مینمایم .

نورعلی دوست کانادا

noorali38@hotmail.com